

غدير، آبگیر، آبی که سبیل به جای گذارد؛ الْقِطْعَةُ مِنَ الْمَاءِ يُغَادِرُهَا الشَّيْطَانُ = آبگیر و تالاب، که آب باران و سبیل آن را بر جای نهد و بماند (لغت نامه، دهخدا).

غدير خم، غدیری است بین مکه و مدینه و فاصله آن تا جُحْفَه دو میل است (مُعْجَمُ الثَّلَاثَانِ).

واقعۀ غدیر، رسول خدا(ص) در سال دهم هجرت قصد حج فرمود و این تصمیم را به مردم اعلام کرد. شمار بسیاری از مردم به مدینه آمدند تا با پیامبر اکرم همراه شوند و این حج را که «حَجَّةُ الْوُدَاعِ» نامیده شد، به امامت آن بزرگوار به جای آورند. این حج را حَجَّةُ الْاِسْلَامِ، حَجَّةُ الْبَلَاغِ، حَجَّةُ الْكَمَالِ و حَجَّةُ الْتَمَامِ نیز نامیده‌اند. حَجَّةُ الْوُدَاعِ، از آن جهت که در این حج پیامبر اکرم در ضمن خطبه‌ای آموزنده آخرین سفارشهای فردی و اجتماعی ضروری برای تشکیل یک جامعه اسلامی و انسانی را به مسلمانان حاضر در آن مؤسسه فرمود و اعلام کرد که شاید سال دیگری برای آن بزرگوار نباشد که به حج برود. می‌گویند ابن عباس خوش نداشت که به این سفر حَجَّةُ الْوُدَاعِ گویند بلکه خود، آن را با تأکید، حَجَّةُ الْاِسْلَامِ می‌نامید (تاریخ طبری). حَجَّةُ الْبَلَاغِ، از آن روی که پیامبر گرامی در ضمن خطبه‌اش از مردم می‌پرسید: «هَلْ بَلَّغْتُ؟» و برخی هم گفته‌اند به مناسبت نزول آیه: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ... ای پیامبر ابلاغ کن آنچه که بر تو نازل شده است (مائده، ۶۷). آن را حَجَّةُ الْبَلَاغِ نامیده‌اند، همان گونه که نامگذاری آن به حَجَّةُ الْكَمَالِ و حَجَّةُ الْتَمَامِ نیز به مناسبت آیه: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي... امروز دین را برای شما تکمیل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم (مائده، ۳) می‌باشد (الغدیر، امینی، ۹۱). جریان غدیر از سه جهت قابل بررسی است: تاریخ، حدیث و ادبیات.

غدیر در تاریخ، پیامبر اکرم(ص) در حَجَّةُ الْوُدَاعِ، با احساس نگرانی از آینده اسلام، در خطبه‌های خود زمینه‌هایی برای استمرار صحیح و بدون انحراف اسلام فراهم کرد، از جمله فرمود: «فَاتَى قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي = مباد که به صورت کافرانی (به گذشته) بازگردید که گردن یکدیگر را بزنید، زیرا من چیزی در میان شما به جای گذاشته‌ام که اگر آن را به دست گیرید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترت خودم و خاندانم».

با توجه به اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) نخستین فرد از اهل بیت او بود و پیامبر اکرم(ص) سخنان بسیاری در مناقب او گفته بود که هیچ یک از صحابه منکر آن‌ها نیستند، می‌توان دریافت

است که بر اشخاص بدکار معلوم می‌شود مَبَايَعَه‌ای که خدا آن را در قرآن به بندگان پیشنهاد نموده و فرموده: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ الْجَنَّةَ = در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به (بهای) اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است (توبه، ۱۱۱)، چگونه باعث خسارت آنها شده است.

صاحب تفسیر مجمع البیان ذیل تفسیر «ذَلِكَ يَوْمَ التَّعَابِينِ» (سوره تعابین، ۹)، به نقل از قتاده و مجاهد می‌گوید: یوم التَّعَابِينِ روزی است که اهل بهشت و اهل دوزخ عین دارند و از پیامبر (ص) در تفسیر این آیه سؤال شد، فرمودند: هیچ مؤمنی نیست که داخل بهشت شود مگر اینکه جایگاه خود را از آتش ببیند، که اگر گناه کرده بود در آنجا بود، تا اینکه زیاد شکر خدا نماید؛ و نیست هیچ بنده‌ای که داخل آتش شود مگر اینکه مکان خود را از بهشت ببیند، که اگر کار خوب کرده بود آنجا بود، تا اینکه حسرتش زیاد شود.

منابع: تبصرة المتعلمین، علامه حلی؛ کتاب المتاجر، ۲۵۳؛ لغت نامه، دهخدا؛ قانون مدنی ایران؛ دائرة المعارف لغات قرآن مجید؛ تفسیر مجمع البیان. قاطمه ذوالقدری

غدر، در لغت عرب به مفهوم بی وفایی، عهد شکستن و خیانت؛ مصدر ثلاثی مجرد است که اسم فاعل آن غادر یعنی ناقض عهد می‌باشد. کلمۀ غدر در قرآن نیامده ولی از مشتقات آن درباب مفاعله و به صورت فَاَلَمْ يُغَادِرُوا = فرونگذاشتیم و لَا يُغَادِرُوا = فرونگذاشته‌از مصدر مُغَادِرَةً = واگذاشتن یا بی وفایی کردن، آمده است (کهف، ۴۷ و ۴۹).

در حکمت عملی شیعه، به مفهوم خیانت در مال یا ناموس یا آبرو و حرمت کسی و از مصادیق غدر، پنهانی مال مردم را خوردن و کم فروشی و غش در معامله و غیره است. غدر از خیانت قوۀ شهویه و از ردایل مُهْلِك محسوب شده؛ مقابل این گونه خیانت، امانت است. امام صادق(ع) فرموده: «خدای - عَزَّ وَ جَلَّ - هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر با راستگویی و امانت به نیکوکار و بدکار؛ و به نماز و روزه مردم فریب مخورید؛ چه بسا کسی که چنان به نماز و روزه فریفته می‌شود که اگر آن را ترک کند وحشت می‌کند؛ ولی او را به راستگویی و ادای امانت بیازمایید. و بنگر به چه چیزی علی(ع) نزد رسول الله(ص) به مرتبه‌ای که داشت رسید؛ او به راستگویی و ادای امانت به آن مقام رسید.

منابع: اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۷۶؛ جامع التعمرات، نراقی، ۲۴۱. حسن سیدعرب

GADR

X

— Mewari, Serhu P. Muslim  
C-12.5.43

12 Agustus 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

Cebn 197 MURAD, Hasan Qasim. *Jabr and qadar in early*  
@301 97 Islam: a reappraisal of their political and religious  
Gadr implications. *Islamic political thought and*  
07007 *governance. Vol. I: Roots of Islamic political though:*  
*key trends, basic doctrines and development.* Ed.  
Abdullah Saeed. London & New York: Routledge,  
2011, pp. 182-195. Originally published in *Islamic*  
*Studies presented to Charles J. Adams* (Leiden, 1991),  
pp.117-132.

GADR

الغادرُ \* ZULUM

\* كيف يكون الغادرُ يومَ البعثِ

بخ - ك ٥٨ ب ٢٢؛ ك ٧٨ ب ٩٩  
ك ٩٠ ب ٩؛ ك ٩٢ ب ٢١

مس - ك ٣٢ ح ٨ - ١٦  
بد - ك ١٥ ب ١٥٠  
تر - ك ١٩ ب ٢٨  
مج - ك ٢٤ ب ٤٢  
حم - أول ص ٤١ و ٤١٧  
و ٤٤١؛ ثان ص ١٦ و ٢٩  
و ٤٨ و ٤٩ و ٥٦ و ٧٠ و ٧٥  
و ٩٦ و ١٠٣ و ١١٢ و ١١٦  
و ١٢٣ و ١٢٦ و ١٤٢ و ١٥٦؛  
ثالث ص ٧ و ٣٥ و ٣٩ و ٤٦  
و ٦١ و ٦٤ و ٧٠ و ٨٤ و ١٤٢  
و ١٥٠ و ٢٥٠ و ٢٧٠؛ خامس  
ص ٢٢٣ و ٢٢٤ و ٢٢٦  
ط - ج ٢٥٤ و ١٢٨٦ و ٢١٥٦  
و ٢١٥٩  
\* مَنْ أَعْتَلَى بِاللَّهِ ثُمَّ خَدَرَ فَاللَّهُ  
خَصَمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ -  
بخ - ك ٣٧ ب ١٠

20 EKIM 1998

WENSINCK AREN JEAN, MIFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE.

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 370 DIA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ= صحيح البخاري، مس= صحيح مسلم، بد= سنن أبي داود، تر= سنن الترمذي، نس= سنن النسائي، مج= سنن ابن ماجه، مي= سنن  
الدارمي، ما= موطأ مالك، ز= مسند زيد بن علي، عد= طبقات ابن سعد، حم= مسند احمد بن حنبل، ط= مسند الطيالسي، هش= سيرة ابن  
هشام، قد= مغازي الواقدي

(عامة) جلد

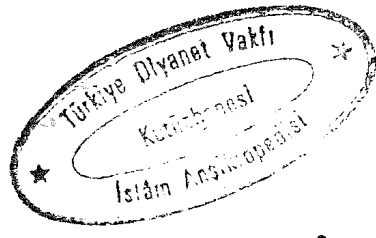
غَدْر:

١ - تعريف: الغدر هو المفاجأة بنقض العهد بغير حق.  
٢ - حكمه:

- أ - الغدر محرّم لقوله تعالى في سورة الإسراء/٣٤ ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَتْ مَسْئُولًا﴾ وقوله ﷺ (أربع من كنّ فيه كان منافقاً خالصاً، ومن كانت فيه خصلةٌ منهن كانت فيه خصلةٌ من النفاق حتى يدعها، إذا أوْثمن خان، وإذا حدّث كذب، وإذا عاهد غدر، وإذا خاصم فجر) (١).  
ب - وتجاوز مقابلة الغدر بالغدر، لقوله تعالى في سورة النحل/١٢٦ ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ﴾.

(١) البخاري في الإيمان باب علامة النفاق، ومسلم في الإيمان باب بيان خصال المنافق.

20 MAYIS 2002



# نهاية الأرب

في

فنونه الأدب

Dia İcın tarafından  
M.ÖZ

تأليف

Gadri (Huzumeta) atif

شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب النوري

369-374

Türkiye Diyanet Vakfı Kütüphaneleri İstanbul Anıtsöğütleri	733-677 هـ
Kayıt	6959-3
Tarih	297-91
	Niv. N

السفر الثالث

نسخة مصورة عن طبعة دار الكتب مع استدراقات وفهارس جامعة

وزارة الثقافة والارشاد القومي  
المؤسسة المصرية العامة  
للطباعة والنشر

وذكر أن عيسى صلوات الله عليه من رجل وهو يطارد حية وهي تقول له :  
والله لئن لم تذهب عني ، لأفخخ عليك نفخة أقطعك بها قطعا ، فمضى عيسى  
عليه السلام في شأنه ، ثم عاد فرأى الحية في جونة الرجل ممبوسة ، فقال لها :  
ويحك ! أين ما كنت تتولين ؟ قالت : يا روح الله ، إنه حلف لي وغدر ، وإن تم  
غدره أقتل له من شئ .

### ذكر أخبار أهل الغدر وغدراتهم المشهورة

أعرف الناس في الغدر آل الأشعث بن قيس بن مسعود يركب ، وقد عدت لهم  
غدرات ، فمنها : غدر قيس بن مسعود يركب بمراد ، وكان بينهم عهد أن لا يفرزوم  
إلى أنقضاء شهر رجب ، فوافق قبل الأمد بكنته ، وجعل يحمل عليهم ويقول  
أقسيت لا أنزل حتى يهزموا \* أنا آبن معد يركب فاستسأبوا  
\* فارس هيجا ورئيس مضدم \*  
فقتل قيس بن معد يركب وأرشد الأشعث عن الإسلام . وغدر الأشعث بن  
الخيار بن كعب ، وكان قد غزاهم فأسروه ، ففدى نفسه بمائتي بعير ، فأعطاهم  
مائة وبقي عليه مائة ، فلم يؤدها ، وجاء الإسلام فهدم ما كان في الجاهلية .

وغدر محمد بن الأشعث بن قيس بن سلم بن عقيل بن أبي طالب ، وغدر أيضا  
بأهل طبرستان وكان غيبه الله بن زياد ولأه إياها ، فصالح أهلها على أن لا يدخنها ورحل  
عنه ، ثم عاد إليهم فقتلوا ، فأخذوا عليه السعاب ، وقتلوا آبنه بها بكر .

وغدر عبد الرحمن بن محمد بن الأشعث باختيار لما ولأه حراسان . وخرج  
عليه وأدعى الخلافة ، وكان بينهم من الرقائق ما ذكره في التاريخ في أخبار الحجاج

### ذكر ما قيل في الغدر والخيانة

قال الله عز وجل : ( وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ )  
وقال تعالى : ( وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ  
أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ) .

وروى عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه قال : « من أمن رجلا ثم قتله  
وجبت له النار وإن كان المقتول كافرا » وعنه صلى الله عليه وسلم أنه قال : « إذا  
جمع الله الأولين والآخرين رفع لكل غادر لواء وقيل : هذه غدره فلان . »

وقالوا : من نقض عهده ، ومنع رفته ، فلا خير عنده .

وقالوا : الغالب بالغدر مغلول ، والناكث للعهد ممقوت مخذول .

وقالوا : من علامات النفاق ، نقض العهد والميثاق .

وقالوا : لا عذر في الغدر ، والعذر يصلح في كل المواطن ، ولا عذر لغانر  
ولا خائن .

وفي بعض الكتب المنزلة : إن مما تمجّل عقوبته من الذنوب ولا يؤخر : الإحسان  
يُكفّر ، والذمة تُحقر . قال شاعر

أخلق بمن رضى الخيانة شمية \* أن لا يرى إلا صريح حوادث

ما زالت الأرزاء تلحق بؤسها \* أبدا بغادر ذمة أو ناكث

وقالوا : الغدر ضامن العثرة ، قاطع ليد النصرة .

ويقال : من تعدى على جاره ، دل على لؤم تجاره .